

تهیه و تصحیح شده توسط هیئت محبان حضرت علی اکبر(ع)
روستای ننیز علیا شهرستان رابر استان کرمان

نسخه امام حسین(ع) در مجلس حضرت عباس (ع)

.....
فریاد از جفای تو ای چرخ کینه جو
بنگر حسین تشنه جگر زار و مضطر است
یک امشب است نوبت آسایش مرا
فردا گلویم از دم شمشیر کین تر است
فردا شود به نیزه قوم مخالفان
این سر که زیب عرش خداوند اکبر است
فردا ز جور کینه اعدای نابکار
زینب به دشت کربلا بی برادر است
سهل است گر شوم من و یاران من شهید
بهر رفاه امت جدم پیمبر است

.....
بار الها من حسینم جد من پیغمبر است
یاب من باشد علی خیر النسایم مادر است
کشتن من سهل باشد در اسیری می رود
خواهرم زینب که ناموس خدای اکبر است
من نمی دانم چه کردم با گروه کوفیان
کز برای کشتنم در دست هر یک خنجر است

.....
شوم فدای تو عباس ای برادر جان
الهی آنکه شود جان من تو را قربان
بدار پاس حرم یکدم ای برادر جان
که تا نماز گذارم به درگه سبحان

.....
یا رب از چیست دلم آه و فغانی دارد
اشکم از دیده عجب سیل روانی دارد
سرو آزادجوانان به زمین میغلطد
مثل من کیست بگوید که جوانی دارد

.....
زینب زمان ناله است هر دم بنال امشب
هر گفتگو که داری کن وصف حال امشب

.....
امشب دو دست عباس در زیر سر نهاده
فردا چو شاخ طوبی دست از تنش فتاده

.....
قاسم به خواب ناز است در بستر خود اکنون

ایا برادر من نور چشم اشرف ناس
شجاع معرکه دشت پر دلی عباس
بگو که خواهش آن زشت رو سپاه چه بود
که او بسی به تو از مکر گفتگو بنمود

نمی خورد ز من و تو برادری بر هم
اگر نهی به دل زخم شمر دون مرحم
بدار دست ز دامان من در این صحرا
مرا گذار در این دشت کربلا تنها
بیا رخ تو ببوسم مرا حلال نما
برو تو باش علمدار لشکر اعداء

مگو چنین سخنان ای برادر غمخوار
بیا ز من بشنو از حسین تو دست بدار
بر یزید تو امروز آبرو داری
بکن رعایت زینب به وقت غمخواری

فدای جان تو عباس ای برادر جان الهی آنکه شوم من تو را تصدق جان
ز کار و بار خود امروز من هراسانم نشین به دور تو طفلان خود بگردانم
هوای خلد برین چون تو در نظر داری وصال حیدر صفدر تو در نظر داری

(برادرم عباس) سپاه من ز تو برجاست چون علمداری
تو میروی، که کند بهر من علمداری

جان من بادا فدای جانت ای رعنا جوان
مشک آبی زود بردار ای برادر اینزمان
پشت به پشت جان برادر میزنیم بر این سپاه
تا که آبی آوریم ایندم به سوی خیمه گاه
راه را من باز می سازم در این میدان جنگ
تو برو سوی فرات و آب را آور به چنگ

هرکه باشد شیعه باب حسین برکشد از دل صدای یا حسین

الله اکبر

انا ابن محمد المصطفی

انا ابن فاطمه الزهرا

.....
انا بن علی المرتضی
الله اکبر
عباس
علمدار سپاهم عباس
برادر رشیدم عباس
الله اکبر
سقای کودکانم عباس

.....
بعد از نسخه حکیم طفیل
(دست عباس را از زمین بر میدارد)

عباسم ای برادر دستت جدا ز پیکر
زینب کسی ندارد بعد از تو ای برادر

.....
راه امید بسته شد دل ز غم تو خسته شد پشت حسین شکسته شد
آه ز بی برادری

.....
به خیمه چون گذر کنم جای تو را نظر کنم
سکینه را خبر کنم آه ز بی برادری

.....
هر چه کنم نگه ابا نمی کنم پیدا تو را بگو که در کجائی ای
برادرم تو از وفا

.....
آمدم لبیک لبیک آمدم آمدم ای جان شیرین آمدم
بلافاصله

علمدار سپاهم ای برادر شهید بی گناهم ای برادر
فلک آخر به ما جور و جفا کرد دو دست نازنینت را
جدا کرد

فراق اکبر شیرین زبانم اگر چه کرده پیر و ناتوانم
ولی از داغ تو پشتم شکسته همه راه امیدم گشته بسته
سکینه در حرم بی صبر و تاب است نشسته منتظر از
بهر آب است

عباسم نه تورا دست به تن تا که به گردن فکنم
نه مرا تاب و توان نعش تو زینجا ببرم

.....
چرا ای غرق خون از خاک صحرا بر نمیخیزی
حسین آمد به بالینت تو از جا بر نمیخیزی
عدو از چار سو آهنگ یغمای حرم دارد
چرا از بهر یاریم برادر بر نمیخیزی
خیام کودکان خالی از آب است و پر از افغان
چرا سقای من از پیش دریا بر نمیخیزی

نماز ظهر را با هم ادا کردیم در مقتل
شده وقت نماز عصر آیا بر نمیخیزی
به دستم تکیه کن بر خیز با من در بر زهرا
چو میبینم ز بی دستی است از جا بر نمیخیزی
شکست از مرگ تو پشتم برادر داغ تو کشتم
که میدانم دگر از خاک صحرا بر نمیخیزی

هیئت مجید حضرت علی اکبر (ع) دوستای نیر علیا